

بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۱۱

دکتر سیدعبدالحسین نبوی^۱

دکتر علی حسین حسین زاده^۲

سیده هاجر حسینی^۳

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از عناصر بنیادی بعد سیاسی نظم اجتماعی به حساب می آید و میزان و ضرایب احساس امنیت یا ناامنی، وابسته به سطح برداشت و احساس افراد و مرتبط با تحلیل ها و بررسی های امنیتی است. این تحقیق در سال ۱۳۸۷ با هدف بررسی جامعه شناختی احساس امنیت اجتماعی و شناسایی پاره ای از عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی انجام گرفته است. احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش به سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی بر آن، مورد بررسی قرار گرفته است. چارچوب نظری تحقیق برگرفته از آرای سه تن از صاحب نظران مکتب کپنهاگ (باری بوزان، ال ویور و بایرن مولار) است. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. جمعیت آماری تحقیق، ساکنان ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز و حجم نمونه در آن، ۶۰۰ نفر است.

مهم ترین یافته های تحقیق نشان داد که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزاینده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی قدرتی، اثر کاهنده ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیر گذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثر گذارند.

کلیدواژه ها

امنیت اجتماعی (feeling societal security)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (Socio - economic status)، محرومیت نسبی (feeling relative deprivation)، هویت (Identity)، احساس بی قدرتی (Powerlessness)، نظم اجتماعی (Social order)، هویت قومی (Ethnic identity).

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران.

۳. کارشناس ارشد جامعه شناسی.

مقدمه

تکاپو برای رسیدن به امنیت از مهم‌ترین انگیزه‌های انسان در درازای زندگی اوست. انسان‌ها برای تأمین نیازهای زیستی خود، وارد مناسبات گوناگون شدند و تشکیل جامعه دادند (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۲). به موازات گسترش اجتماعات و پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، موجود بشری وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... از هم متمایز کردند و امنیت او را تحت‌الشعاع قرار دادند. بشر که برای تأمین امنیت و فرار از ناامنی، جامعه را تشکیل داده بود، به زودی دریافت که این بار امنیت او نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز تهدید می‌شود. بدین ترتیب، دغدغه‌های همیشگی او برای تأمین امنیت در مقوله‌ای جدید، با عنوان احساس امنیت اجتماعی ظهور می‌کند.

مفهوم امنیت اجتماعی و [احساس ناشی از آن] در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم، نخست به عنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله گروه مستقلی از محققان در مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاک^۱ توسعه پیدا کرده (Bilgin, 2003: 211) و به صورت توان یک جامعه برای حفاظت از هویت گروهی‌شان در مقابل تهدیدات واقعی یا فرضی، تعریف شده است (Wearver, 2000: 5). بدین ترتیب، بیشتر تهدیدات برای افراد، ناشی از این حقیقت است که آنها در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط، به وجودآورنده انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. با توجه به اینکه افراد اولین منبع ناامنی یکدیگرند، مسئله امنیت افراد، ابعاد گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی پیدا کرده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴) که این ابعاد به نوبه خود، احساس امنیت اجتماعی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

بیان مسئله و ضرورت انجام تحقیق

فقدان یا اختلال در امنیت، پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت‌ها به دنبال دارد. در همین رابطه، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۶۵). تحقیقات و نظر سنجی‌هایی که همه‌ساله از سوی دولت در سطح کشوری به اجرا در می‌آید، نمونه‌ای از آن است. نتیجه نظر خواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین آن است که ۸۱

1. Copenhagen peace research institute

درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). در نظرسنجی دیگری که از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) در سال‌های ۱۳۸۳ (پیمایش اول) و ۱۳۸۴ (پیمایش دوم) در خصوص سنجش میزان امنیت اجتماعی مراکز استان‌های کشور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که میانگین احساس ناامنی در مرکز شهرستان مورد مطالعه تحقیق حاضر (شهر اهواز) برابر با ۸۴/۸۳ است که در مقایسه با میانگین احساس ناامنی کل مراکز استان‌های کشور، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است (ناجا: ۱۳۸۳).

بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. ضرورت مطالعه و تحقیق در خصوص مسئله مطرح شده نیز از آنجا ناشی می‌شود که تهدیدات داخلی بالفعل و بالقوه در کشورهای کمتر توسعه یافته، اغلب، امنیت اجتماعی این جوامع را به خطر می‌اندازد (خوشفر، ۱۳۸۷: ۳). بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس ایمنی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت‌ها برخوردار است. تحقیق حاضر به همین منظور و در پی شناسایی عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. عوامل مورد نظر این تحقیق، پاره‌ای از عوامل مهم مربوط به حوزه‌های اجتماعی و سیاسی زندگی افرادند.

پیشینه نظری تحقیق

نحوه تأمین امنیت که از دیرباز موضوع مورد بحث پژوهشگران عرصه مسائل راهبردی بوده، به‌طور مشخص در دو ایده رئالیستی و ایدئالیستی تجلی می‌یابد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶). به‌طور کلی، تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، این دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مسئله امنیت ملی حاکم بوده است (ربیعی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۶).

در اثر نقد رویکردهای کلاسیک (رئالیسم و ایدئالیسم)، رویکردها و نظریه‌های مدرن در حوزه امنیت پژوهی ظهور کردند. اندیشه انتقادی، در حوزه مطالعات امنیت از حدود سال ۱۹۸۰ و دوره پایان جنگ سرد مطرح شد. نگرش انتقادی، به ویژه به عدم کفایت فرض‌های مطالعات کلاسیک مربوط بود و بیش از همه به جایگاه برتر رئالیسم و ایدئالیسم حمله برد و بر لزوم مطالعات جایگزین در عرصه امنیت پژوهی تأکید کرد (Bilgin; Booth; Jones, 1998: 152).

پس از پایان جنگ سرد، باری بوزان به همراه ال ویور، جاب دوویل و... در مکتب کپنهاگ، در پی گسترش مفاهیم امنیت، تحلیل‌های ظریفی ارائه داده و ایده امنیت اجتماعی را مطرح کردند. آنها این کار را از طریق توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سیاسی و نظامی - امنیتی انجام دادند (Bilgin, 1998: 38). موضوعی که نخستین بار در آنجا مطرح شد، این بود که اولاً؛ امنیت - ناامنی^۱، فقط به عوامل نظامی بستگی ندارد، بلکه امروزه مسائل اجتماعی، فراتر از عوامل نظامی ایفای نقش می‌کنند. ثانیاً؛ متصدی امنیت فقط دولت‌ها نیستند، بلکه نیروهای اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند (افتخاری و نصیری، ۱۳۸۳: ۲۳۸). بدین سان، آنها جامعه را مرجع امنیت^۲ می‌دانند و معتقدند با ظهور احساس «ما»، جوامع به عنوان موضوع امنیت مطرح می‌شوند (Bilgin, 2003: 211). به علاوه، صاحب نظران مکتب کپنهاگ، امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح می‌کنند و اظهار می‌دارند تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به طور ذهنی نیز قابل تجربه‌اند (Buzan, 1998: 1). بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی کرد و بیان داشت که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶).

باری بوزان نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. این مفهوم تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بعدی او به مقوله امنیت بود. دیگر بخش‌های رویکرد وی عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی^۳. تمام این ابعاد و از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت ملی^۴ هستند (Roe, 1996: 3). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهند (Buzan; Wearver, 1998: 4-5). به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود، متغیر باشند. به عقیده بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و

1. Security- Insecurity

2. Refrence of security

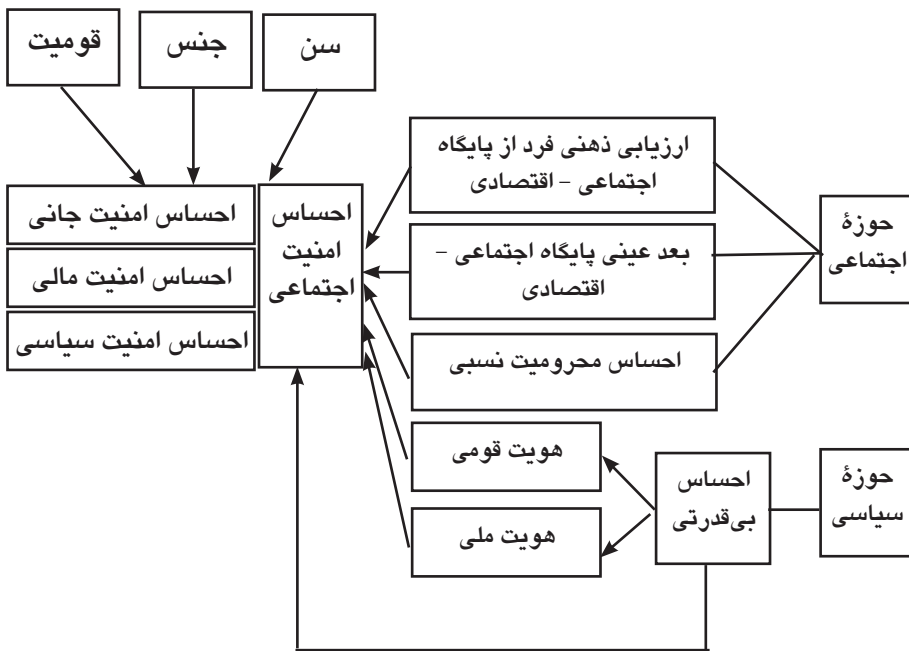
3. Military, Politica, Economical & Environmrntal security

4. National Security

کشتار اعضای یک اجتماع باشند. بنابراین، برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می‌شوند، ممکن است نظامی باشند، مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آنها. اما برخی دیگر نیز ممکن است غیر نظامی باشند، مانند محروم کردن از حقوق، زبان و آزادی دینی و شیوهٔ پرستش (Buzan, 1993: 43 به نقل از Roe, 1996: 4). در هر حال تهدیدات تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زمانی روی می‌دهند که جوامع به این نتیجه می‌رسند که در شرایط کنونی، هویت «ما» مورد تهدید و تعرض واقع شده است (همان منبع).
ال ویور^۱ در کتاب «هویت، مهاجرت و منشور جدید امنیت در اروپا» (۱۹۹۳) دست به مفهوم‌سازی مجدد از رهیافت پنج بعدی بوزان دربارهٔ امنیت زده است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). وی حوزهٔ امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در نظریهٔ ویور بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود، اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است (Roe, 1996: 11). با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی که به عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌اند، فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که همهٔ جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می‌آیند (واتسون، ۲۰۰۴: ۴ به نقل از صمدی بگه جان، ۱۳۸۴: ۶۳).

مولار، صاحب نظر دیگری است که در باب امنیت اجتماعی با الهام از نظرات بوزان و ویور، اشکال ناامنی را طرح کرده است و آنها را از باب هدف مرجع امنیت (یعنی تأمین امنیت برای چه کسی؟) و نوع تهدیدات (خطرات و آسیب‌هایی که مبارزه با آنها، هدف امنیت به حساب می‌آید) از یکدیگر متمایز کرده است (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۳). وی بحث خود در باب امنیت اجتماعی را با شرح اشکال متفاوت امنیت آغاز می‌کند. او معتقد است امنیت در سه شکل «ملی»، «اجتماعی» و «انسانی» وجود دارد که پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی؟» یا به بیان دیگر مرجع امنیت در هر یک از این اشکال، متفاوت است و به تناسب تفاوت در مراجع امنیت، تهدیدات نیز متفاوت خواهند بود (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۵۷). به عقیدهٔ مولار امنیت اجتماعی به عنوان موضوع «هویت

ایمن»^۱ برای گروه‌های اجتماعی مانند ملت‌ها، گروه‌های قومی و مذهبی به شمار می‌آید (Moller, 2000: 10). به عقیده او امنیت اجتماعی، مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک‌اند و از این رو به تدریج و همراه با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱).



مدل روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (احساس امنیت اجتماعی)

پیشینه تجربی تحقیق

در زمینه امنیت اجتماعی در داخل و خارج از کشور مطالعاتی صورت گرفته است. در این قسمت به برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام گرفته اشاره می‌کنیم. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) در سال ۱۳۸۳ به منظور «بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق» و بررسی عملکرد نیروی انتظامی از دیدگاه آنان، اقدام به نظرسنجی کرد. جامعه آماری تحقیق،

کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال حاشیه شهر تهران بوده‌اند. نتایج نظرسنجی نشان داد که سن، جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد افراد بر احساس امنیت آنان تأثیرگذار است (ناجا، ۱۳۸۳).

نظرسنجی دیگری در خصوص «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز در استان‌های کشور» در سال‌های ۱۳۸۳ (پیمایش اول) و ۱۳۸۴ (پیمایش دوم) از طرف ناجا برای کلیه شهروندان بالاتر از ۱۵ سال ساکن در مراکز استان‌های کشور به عمل آمده است. اهداف اصلی نظرسنجی در پیمایش دوم عبارت بود از: سنجش میانگین ناامنی در جامعه که ۹۳/۱ نشان داده شد؛ سنجش میزان احساس ناامنی که ۵۶/۹ بود؛ ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی، که میانگین نمرات پاسخگویان به عملکرد ناجا ۲۸/۷ بوده است؛ بررسی نقش سازمان‌های مختلف در امنیت شهروندان، که طبق آن، نیروی انتظامی، قوه قضائیه و مراکز فوریتی، بیشترین نقش، و وزارت اموراتصادی و دارایی، سازمان تأمین اجتماعی و شورای شهر، کمترین نقش را در تأمین و حفظ امنیت شهروندان داشتند (کرامتی، ۱۳۸۵).

جمیل صمدی بگه جان در سال ۱۳۸۴ «امنیت اجتماعی در سندنج» را بررسی کرد. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در مناطق مرکز و حاشیه سندنج بودند. روش پژوهش، مصاحبه مفصل بوده که این مصاحبه با ۶۰ نفر انجام شده است. محقق تأثیر متغیرهایی همچون پایگاه اقتصادی- اجتماعی، امنیت مالی، سرمایه گذاری، هویت قومی و امنیت سیاسی را بر امنیت اجتماعی ساکنان بررسی کرده است. مهم‌ترین نتیجه تحقیق این است که افراد و خانواده‌ها، هر کدام تهدیدات و ناامنی خاص خود را دارند، اما مرکز ثقل تهدیدات، تهدیدهای اقتصادی است. در واقع، امنیت اجتماعی افراد و خانواده‌ها از سوی عوامل موجود در حوزه اقتصادی سلب و تهدید می‌شود (صمدی بگه جان، ۱۳۸۴).

مصطفی کامل السعید در مطالعه‌ای با عنوان «مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی» به سنجش و مقایسه امنیت عمومی (شامل امنیت رژیم و جامعه) در کشورهای مصر، الجزایر، عراق، لیبی و عربستان سعودی در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ اقدام کرد. روش مطالعه اسنادی بوده و داده‌های آن بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده سازمان‌های حقوق بشر و سایر منابع رسمی جمع آوری شد. یافته‌ها نشان داد که از میان کشورهای بررسی شده، عربستان سعودی بیشترین میزان امنیت و مشروعیت را داراست. دو کشور مصر و لیبی با وجود تفاوت در ساختار سیاسی شان، رتبه

دوم را دارند. الجزایر به دلیل جنگ‌های داخلی و عراق به دلیل جنگ دوم خلیج [فارس] چهارمین و پنجمین مقام را به خود اختصاص داده‌اند (کامل السعید، ۱۳۸۱). «هویت جمعی به عنوان عامل و ساخت دهندهٔ اجتماع» عنوان پیمایشی است که در سال ۱۹۹۷ کمیرلینگ و مور در اسرائیل انجام دادند. هدف تحقیق، مقایسهٔ بین دو سنت مجزای جمعیت یهود اسرائیلی و جمعیت عرب مسلمان ساکن در این منطقه بود و در آن محققان به این نتیجه رسیدند که در مقایسهٔ بین دو گروه، هر گروه نیازهای فردی شان را نیز در نیازهای جمعی‌شان جست‌وجو می‌کنند و برای آنها منابع مادی مثل رفاه، سلامتی و... ارزش پایین‌تری نسبت به آسایش و نیازهای جمعی شان دارد. به‌طور کلی در این مطالعه مشخص شد که هویت‌های جمعی، نقش مرکزی را در ساخت این نظام دارند (Kimmerling, Moor, 1997).

اهداف تحقیق

هدف کلی از انجام این تحقیق، شناخت تأثیر برخی از عوامل اجتماعی و سیاسی بر احساس امنیت اجتماعی است که به اهداف جزئی زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- شناخت تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر احساس امنیت اجتماعی.
- ۲- شناخت تأثیر عوامل اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی.
- ۳- شناخت تأثیر عوامل سیاسی بر احساس امنیت اجتماعی.

فرضیه‌های تحقیق

صرف نظر از فرض‌های زمینه‌ای (فرضیه‌های اول، دوم و سوم) که اغلب در اکثر تحقیقات اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند، در این تحقیق فرضیات به دو حوزه تقسیم شده‌اند: ۱- حوزهٔ اجتماعی شامل فرضیات چهارم و پنجم؛ ۲- حوزهٔ سیاسی که فرضیات ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم را در بر می‌گیرد. مجموع فرضیات مطرح شده در این تحقیق عبارت‌اند از:

فرضیهٔ اول: به نظر می‌رسد بین سن و احساس امنیت اجتماعی، رابطهٔ معناداری وجود دارد.

فرضیهٔ دوم: به نظر می‌رسد بین جنس و احساس امنیت اجتماعی، رابطهٔ معناداری وجود دارد.

فرضیهٔ سوم: به نظر می‌رسد بین قومیت و احساس امنیت اجتماعی، رابطهٔ معناداری

وجود دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین احساس بی‌قدرتی و هویت قومی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد بین احساس بی‌قدرتی و هویت ملی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه هشتم: به نظر می‌رسد بین هویت قومی و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه نهم: به نظر می‌رسد بین هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دهم: به نظر می‌رسد بین احساس بی‌قدرتی و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

با تکیه بر آرای صاحب‌نظران مکتب کپنهاگ (بوزان، ویور و مولار) که نقطه آغازین امنیت را ذهنی (احساس فرد از وجود یا فقدان امنیت) و مبتنی بر تصمیم کنشگران معرفی می‌کنند، متغیر وابسته تحقیق، «احساس امنیت اجتماعی» در نظر گرفته شده است. احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). احساس امنیت اجتماعی در این مطالعه به سه بعد احساس امنیت مالی^۱، احساس امنیت جانی^۲ و احساس امنیت سیاسی^۳ تقسیم شده است. صاحب‌نظران مکتب مزبور با الهام از عقاید جان لاک به تحلیل ابعاد امنیت پرداخته‌اند. بوزان در جمله‌ای از جان لاک نقل می‌کند که «هدف اصلی انسان‌ها از این که خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند، حفظ دارایی آنهاست». منظور از دارایی در

1. property security
2. life security
3. political security

اینجا، «حیات» [احساس امنیت جانی]، «آزادی» [احساس امنیت سیاسی]، و «مایملک» [احساس امنیت مالی] است که در حالت عادی فاقد امنیت‌اند. به علاوه بوزان تهدیدات را به سه نوع فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، دسترسی نداشتن به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق، همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی، تنزل رتبه و تحقیر در انظار عمومی) تقسیم می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵-۵۴) که بیانگر ابعاد سه گانه متغیر وابسته در تحقیق کنونی است. برای عملیاتی کردن این ابعاد، در مجموع از ۲۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند. تعاریف مفهومی و عملیاتی هر یک از ابعاد احساس امنیت اجتماعی به شرح زیر است:

احساس امنیت جانی: هر گونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد، امنیت جانی آنها را از بین می‌برد. بنابراین شرایط احساس امنیت جانی شرایطی است که هیچ گونه تهدیدی علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد. نمونه‌ای از گویه‌های استفاده شده برای ساخت این شاخص، عبارت است از: تردد زنان خانواده به تنهایی؛ به طور کلی از نظر جانی تا چه حد احساس امنیت می‌کنید؟ و...

احساس امنیت مالی: منظور از احساس امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است، تا جایی که این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نگیرد. این امر باعث می‌شود صاحبان آن احساس امنیت و آرامش داشته باشند (صمدی بگه جان، ۱۳۸۴: ۷۳). برای ساخت این شاخص از معرف‌هایی همچون همراه داشتن پول و لوازم قیمتی، سپردن سرمایه به دیگران و... استفاده شده است. معرف‌های دو بعد احساس امنیت جانی و مالی از تحقیقات ناجا (۱۳۸۳) و صمدی بگه جان (۱۳۸۴) اخذ شده است.

احساس امنیت سیاسی: یعنی افراد جامعه تا چه حد احساس می‌کنند که می‌توانند باورهای خود را آزادانه بیان کنند و فعالیت‌های سیاسی، پیامد منفی برای آنها نداشته باشد (همان: ۷۴). برای عملیاتی کردن این بعد، عمدتاً از تحقیقات کامل السعید (۱۳۸۰) و صمدی بگه جان (۱۳۸۴) الهام گرفته شده است. نمونه‌ای از شاخص‌های مورد استفاده عبارت است از: شرکت کردن در جلسات سخنرانی فعالان سیاسی و پخش و توزیع نشریه‌های منتقد. به طور کلی از نظر سیاسی تا چه حد احساس امنیت می‌کنید؟ و...

متغیرهای مستقل تحقیق در دو حوزه مطرح شده‌اند. متغیرهای حوزه اجتماعی، شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی و احساس محرومیت نسبی و متغیرهای حوزه سیاسی شامل احساس بی‌قدرتی، هویت قومی^۱ و هویت ملی^۲، به علاوه برخی متغیرهای جمعیت شناختی، که طبق آن گروه سنی (سنین بین ۱۶ تا ۸۵ سال)، گروه جنسی (زنان و مردان)، گروه قومی (عرب، فارس، ترک، لر و کرد) و گروه (ایرانی) به عنوان گروه‌های دارای هویت مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در دسته بندی متغیرها به دو حوزه اجتماعی و سیاسی، اگرچه نهایت دقت به عمل آمده است، اما به علت وابستگی متقابل و درهم تنیدگی پدیده‌های انسانی نمی‌توان انتظار داشت که هر یک از عوامل به طور کلی در حوزه‌های دیگر دخیل نباشند.

پایگاه اجتماعی- اقتصادی (S.E.S): نظام قشربندی اجتماعی، افراد را بر حسب میزان برخورداری شان از کیفیت‌های مطلوب، رتبه بندی می‌کند و آنها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیتشان جای می‌دهد (کوئن، ۱۷۸، به نقل از خوشفر، ۱۳۸۴: ۲۷۵). متغیر فوق در آرای بوزان و ویور در مباحث گوناگون بیان شده است. از دیدگاه این اندیشمندان، برخورداری افراد از امکانات جامعه، احساس خشنودی و همبستگی و در نتیجه احساس امنیت را افزایش خواهد داد. به علاوه، باری بوزان و ال ویور در نقد لیبرالیسم بر وجود فاصله طبقاتی بین افراد و جوامع تأکید کرده که ناامنی اقتصادی از رهاوردهای لیبرالیسم است که هم اصل ناامنی و هم احساس ناامنی را در حیات بشری افزون کرده است (Buzan; Wearver, 1998: 23). به این ترتیب آنها رابطه مثبت میان پایگاه اجتماعی اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی را بیان می‌دارند.

برای عملیاتی کردن متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی در تحقیق حاضر از دو شیوه عینی و ذهنی^۲ بهره گرفته شده است از مجموع ۱۰ گویه استفاده شده، ۴ گویه مربوط به شیوه عینی و ۶ گویه مربوط به شیوه ذهنی است. این متغیر در سطح معیار مقیاس فاصله‌ای سنجدیده شده است. شاخص‌های مربوط به شیوه عینی، شامل سطح تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و نوع مسکن است. منظور از ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی، خود پنداشت پاسخگو از جایگاه وی در ساختار اجتماعی

1. Ethnic identity
2. National identity

۳. در خصوص دو سؤال مربوط به مسکن (در شیوه ذهنی سنجش پایگاه اجتماعی- اقتصادی)، باید خاطرنشان کرد پاسخگو فقط به یکی از این دو سؤال پاسخ می‌دهد؛ به این صورت که اگر (خود یا خانواده اش) مسکن ملکی داشته باشد، به سؤال نخست و چنانچه (خود یا خانواده اش) مسکن ملکی نداشته باشد، به سؤال دوم پاسخ خواهد داد.

از دیدگاه خود اوست که می‌تواند متغیر اثرگذار به حساب آید. بُعد ذهنی طبقه اجتماعی با ابعاد چهارگانه درآمد، تحصیل، شغل و مالکیت - مسکن به عنوان متغیر ترکیبی در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری می‌شود. چنانکه پاسخگو تحت تکفل باشد، این پرسش شامل حال عهده دار تکفل و در غیر این صورت، متوجه خود او است. گویه‌های این مقیاس به قرار زیر است:

۱- فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت تحصیلی شما (چه باسواد، چه بی‌سواد) را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

۲- فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت شغلی شما (چه شاغل، چه بیکار) را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

پس از ارائه هر یک از دو سؤال فوق، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی از «خیلی با ارزش»، «با ارزش»، «کم ارزش» تا «خیلی کم ارزش» در اختیار پاسخگو قرار گرفت.

۳- فکر می‌کنید درآمد شما (یا خانواده شما) به چه میزان برای هزینه زندگی تان کفایت می‌کند؟

گزینه‌های پاسخ به این سؤال، در طیفی پنج قسمتی از «خیلی کافی»، «کافی»، «تا حدی کافی»، «ناکافی» تا «خیلی ناکافی» در اختیار پاسخگو قرار گرفت.

۴- اگر شما (یا خانواده تان) مالک مسکن هستید، قیمت مسکن خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۵- اگر شما (یا خانواده تان) مالک مسکن نیستید، توانایی مالی خود را برای خرید مسکن در چه حد می‌دانید؟ پس از ارائه هر یک از دو سؤال فوق، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی از «خیلی بالا»، «بالا»، «تا حدی بالا»، «پایین» تا «خیلی پایین» در اختیار پاسخگو قرار گرفت.

۶- اگر مردم را به ۵ طبقه اقتصادی (خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین) تقسیم کنند، شما خود را در کدام طبقه اقتصادی جای می‌دهید؟ پس از ارائه این سؤال، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی از «خیلی بالا»، «بالا»، «متوسط»، «پایین» تا «خیلی پایین» در اختیار پاسخگو قرار گرفت.

احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلافات میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (گر، ۱۹۶۸: ۳۵۲ به نقل از قائمی فر، ۱۳۸۵: ۱۲۴). این متغیر از نظریه‌های بوزان و ویور

گرفته شده است. از نظر این اندیشمندان، قرار گرفتن افراد در معرض منافع برابر و مخاطرات مساوی، عاملی برای برقراری نظم و امنیت به شمار می‌رود. شاخص محرومیت نسبی از ترکیب نسبی از ترکیب سه سؤال در قالب طیف لیکرت سنجیده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای ساخته شده است. این معرف‌ها که تدرابرت گر^۱ آنها را مطرح کرده است، عبارت‌اند از: مقایسه (برابری یا نابرابری) امکانات رفاهی خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اقتصادی فرد با دیگران.

احساس بی‌قدرتی: احساس بی‌قدرتی اساساً میزان باور فرد از توانایی خود یا جمعی از افراد نظیر خود در کنترل کافی پیامدهای رویدادهای سیاسی و اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کند (Miller, 1969: 318). نیل و سیمن^۲ بی‌قدرتی را به معنای انتظارات پایین، برای کنترل وقایع می‌دانند، مانند فقدان کنترل بر نظام سیاسی، نظام اقتصادی و همچنین امور بین‌المللی (ibid). این متغیر از نظرات تحلیلگران مکتب کپنهاگ قابل استخراج است. بوزان امنیت را تابعی از شیوه آرایش قدرت و (والبته بی‌قدرتی) می‌داند. بوزان و همکارش ویور در تحلیل منطقه‌ای امنیت از وجود قدرت‌های متعدد یا قطب‌های قدرت یاد کرده و معتقدند می‌توان هر یک از آنها را یک مجموعه امنیتی نامید (بوزان و ویور^۳، ۱۳۸۸: ۳۴۴ و ۳۴۶). این دو معتقد به توزیع قدرت در مناطق مختلف جهان‌اند و نسبت به مقوله قدرت، نگرشی پویا دارند و «ساختار اجتماعی» را در میزان قدرت هر کشور دخیل می‌دانند (همان: ۳۴۷-۳۴۶). از سوی دیگر، در این تلقی، نگرش به امنیت و قدرت به مسائل عینی تقلیل نمی‌یابد (همان: ۳۵۸)؛ بدین معنا که امنیت و قدرت مقولاتی ذهنی به شمار می‌آیند. به همین دلیل می‌توان مسئله قدرت (و بی‌قدرتی) را در سطوح اجتماعی و فردی نیز بررسی کرد. همچنین به عقیده این تحلیلگران، در حکومت‌های ارائه شده از سوی رئالیست‌های کلاسیک، دولت به منزله لویاتانی است که قدرت و البته سرنوشت افراد را به دست می‌گیرد. الگوی اینکه انسان قادر نیست بر سرنوشت خویش مسلط باشد و آن را در دست گیرد، میزان بی‌قدرتی فرد را نشان می‌دهد و بدیهی است که این امر بر احساس امنیت وی نیز اثر کاهنده خواهد داشت. در پژوهش حاضر، مقیاس بی‌قدرتی تدوین شده به وسیله دین^۴، به کار گرفته شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است. این مقیاس شامل ۹ گویه (دارای بار سیاسی) به

1. Gurr, Ted Robert

2. Neal and Seeman

3. Barry Buzan and Ole Weaver.

4. Dean

سبک لیکرت ۵ گزینه‌ای است که خود بخشی از مقیاس کلی‌تر از خودبیگانگی به حساب می‌آید. دو نمونه از گویه‌های مورد استفاده عبارت‌اند از: برای جلوگیری از جنگ، کاری از کسی ساخته نیست؛ ما چنان اداره و تنظیم می‌شویم که چندان اختیاری برای انتخاب، حتی در امور شخصی باقی نمی‌ماند و... .

هویت: در این تحقیق، متغیر هویت، جزء عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی در حوزه سیاسی زندگی افراد، در نظر گرفته شده است. بوزان تهدید نسبت به هویت را در زمره ملاحظات سیاسی قرار داده و معتقد است مسائل مربوط به زبان، مذهب، و فرهنگ محلی، همگی در تفکر نسبت به دولت مؤثرند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۷). در بحث از هویت، دو نوع هویت را از هم جدا می‌کنیم: هویت قومی، هویتی است که همبستگی خاصی بین اعضای گروه‌های قومی به وجود می‌آورد؛ هویت ملی، هویتی است که همبستگی بین مردم را در سراسر یک کشور ایجاد می‌کند (ربانی؛ پورافکاری؛ کریمی کیا، ۱۳۸۶: ۸۶). هر دو نوع این هویت‌ها در آرای هر یک از اعضای مکتب کپنهاگ به چشم می‌خورد. به منظور سنجش متغیر هویت قومی، از شش گویه که به صورت طیف لیکرت تنظیم یافته، استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند. شاخص‌های این متغیر عمدتاً از تحقیق تقوی نسب (۱۳۸۶) اخذ شده است. دو نمونه از گویه‌های مورد استفاده عبارت‌اند از: وجود و هستی من با قومم آمیخته شده است؛ ایجاد مراکزی که در آن شعر و موسیقی قومی ام آموزش داده می‌شود لازم است.

جهت سنجش متغیر هویت ملی، از ده گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند. شاخص‌های این متغیر، عمدتاً از تحقیق علیزاده اقدم (۱۳۸۶) گرفته شده است. برخی از گویه‌های استفاده شده عبارت‌اند از: اگر برایم امکان داشت کشور دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کردم؛ اگر امنیت کشور و سرزمینم به خطر بیفتد از آن دفاع می‌کنم و... .

روش تحقیق

پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۷ به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. از بین کل شهرستان‌های کشور، شهرستان اهواز به عنوان منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه ۶۰۰ نفر از جمعیت ۱۶ سال و بالاتر شهرستان است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده

است. نحوه انتخاب نمونه از طریق نقشه پستی شهرستان اهواز، به این شکل بوده که از میان ۱۴۸ گشت پستی، ۲۵ درصد یعنی ۲۹ گشت پستی به طور تصادفی انتخاب شده است. سپس در هر گشت پستی به نسبت تعداد خانوار، یک یا چند جزء پستی به طور تصادفی انتخاب شده و پس از آن با توزیع متناسب، حجم نمونه مورد نظر در هر جزء پستی است و در آخرین مرحله، نقطه‌ای از بلوک‌های موجود در هر جزء پستی به صورت تصادفی انتخاب شده است و منازل موجود در آن در نمونه جای گرفتند. در ساخت پرسشنامه، عمدتاً از شاخص‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است؛ به این صورت که به گزینش معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی، اقدام کرده و برای حصول روایی قابل قبول از این شاخص‌ها مجدداً اعتبار محتوایی شده‌اند. برای اطمینان از پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار داشتند و متغیر وابسته (به طور کلی و به تفکیک ابعاد) در جدول زیر آمده‌اند.

جدول شماره ۱- ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود	۰/۷۱
احساس محرومیت نسبی	۰/۸۸
احساس بی‌قدرتی	۰/۸۹
هویت قومی	۰/۶۴
هویت ملی	۰/۸۶
احساس امنیت جانی	۰/۸۴
احساس امنیت مالی	۰/۸۶
احساس امنیت سیاسی	۰/۹۷
احساس امنیت اجتماعی (مجموع ابعاد سه گانه)	۰/۹۱

یافته‌ها

در این تحقیق، یافته‌های توصیفی با توجه به گروه‌های اجتماعی دارای هویت متمایز (گروه‌های سنی، جنسی و قومی) به دست آمده و توصیف شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین سن جمعیت نمونه ۳۳/۲۷ سال، حداکثر سن ۸۵ سال و حداقل آن ۱۷ سال است. ۵۱/۷ درصد کل جمعیت نمونه را مردان و ۴۷/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی جمعیت نمونه بر حسب قومیت نشان داد که بیش از نیمی از ساکنان، یعنی ۵۱/۳ درصد عرب و ۴۳/۶ درصد غیر عرب (۲۷/۷ درصد فارس، ۱۳/۳ درصد لر، ۱/۸ درصد ترک و ۰/۰۸ درصد کرد) هستند.

میانگین احساس امنیت اجتماعی جمعیت نمونه ۴۹/۱ است. آنچه در بخش توصیفی اهمیت به‌سزایی دارد، تفاوت میانگین احساس امنیت جمعیت نمونه در هر یک از ابعاد متغیر وابسته است به گونه‌ای که افراد نمونه امنیت مالی از کمترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کمترین میزان احساس امنیت مربوط به امنیت سیاسی آنها و بیشترین میزان احساس امنیت، مربوط به امنیت جانی است. این نتایج در جدول شماره ۲ قید شده است.

جدول شماره ۲ - آمارهای توصیفی مربوط به احساس امنیت اجتماعی و ابعاد سه گانه آن

احساس امنیت سیاسی	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت اجتماعی		
۴۸۵	۵۸۷	۵۸۱	۴۶۹	معتبر	تعداد مشاهدات
۱۱۱	۹	۱۵	۱۲۷	بی پاسخ	
۱۷/۴۷	۱۳/۲۵	۱۸/۴۳	۴۹/۰۹	میانگین	
۹/۲۲۷۴۸	۵/۴۹۰۶۴	۵/۹۲۸۷۴	۱۴/۹۳۰۷۴	انحراف معیار	
۸۵/۱۴۶۴۳	۳۰/۱۴۷۰۸	۳۵/۱۴۹۹۳	۲۲۲/۹۲۷۰۸	واریانس	
۰/۸	۰/۶	۰/۸	۰/۲۲	حداقل	
۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۳۸	۰/۱۰۲	حداکثر	

جدول شماره ۳، رابطه بین سن و احساس امنیت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۱، مؤید آن است که سن افراد تأثیر چندانی بر احساس امنیت اجتماعی آنها ندارد ($\text{sig} = 0/378 > 0/05$)؛ بدین معنا که افراد سنین مختلف از احساس امنیت اجتماعی نسبتاً یکسانی برخوردارند.

جدول شماره ۳ - نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مربوط به رابطه بین سن و احساس امنیت اجتماعی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن	۰/۰۱۴	۰/۳۷۸

جدول شماره ۴، رابطه جنس و احساس امنیت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. از آنجا که متغیر جنس اسمی (با دو مقوله) و متغیر احساس امنیت اجتماعی به صورت فاصله‌ای است، مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر، آزمون $T - \text{Test}$ با دو نمونه مستقل خواهد بود. آزمون T نشان می‌دهد که جنسیت با احساس امنیت اجتماعی فرد رابطه معناداری ندارد ($\text{sig} = 0/972 > 0/05$). اما، در تحلیل ارتباط متغیر جنس با ابعاد سه گانه متغیر وابسته، نتایج حاکی از آن است که جنسیت فرد تنها در احساس امنیت جانی (بعد جانی متغیر وابسته)، اهمیت خود را نشان می‌دهد و میانگین احساس امنیت جانی دو جنس با هم متفاوت است ($\text{sig} = 0/041 > 0/05$)؛ به این صورت که در مقایسه بین دو جنس، زنان نسبت به مردان از احساس امنیت جانی کمتری برخوردارند.

جدول شماره ۴ - نتایج آزمون T با دو گروه مستقل، مربوط به رابطه بین جنس و احساس امنیت اجتماعی

جنس	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۴۶۲	-۱/۶۶۵	۰/۰۹۷

۱. از آنجا که متغیرهای مستقل مطرح شده در فرضیه‌های اول، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم و همچنین متغیر وابسته تحقیق در سطح سنجش فاصله‌ای هستند، مناسب‌ترین آزمون برای تجزیه و تحلیل این روابط، آزمون ضریب همبستگی پیرسون است.

جدول شماره ۵، رابطه قومیت و احساس امنیت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. از آنجا که در این پژوهش متغیر قومیت به صورت اسمی (عرب و غیرعرب) در نظر گرفته شده و متغیر احساس امنیت اجتماعی در سطح سنجش فاصله‌ای است، از این رو مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر، آزمون T -Test با دو نمونه مستقل است. چنان که مشاهده می‌شود، سطح معناداری T ($\text{sig} = 0/762 > 0/05$) نشان دهنده عدم تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی در بین قومیت‌های مختلف است. این بدان معناست که قومیت فرد بر احساس امنیت اجتماعی او اثرگذار نیست.

جدول شماره ۵ - نتایج آزمون T با دو گروه مستقل، مربوط به رابطه

بین قومیت و احساس امنیت اجتماعی

قومیت	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۴۴۶	۰/۳۰۳	۰/۷۶۲

اطلاعات این جدول، نشان دهنده رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی (با توجه به شیوه‌های مختلف عملیاتی کردن این متغیر) با احساس امنیت اجتماعی است. این متغیر هم با در نظر گرفتن شاخص‌های ذهنی ($\text{sig} = 0/001 < 0/01$) و هم با در نظر گرفتن شاخص‌های عینی ($\text{sig} = 0/048 < 0/01$) بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین می‌توان گفت افراد متعلق به طبقه اجتماعی بالا از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به افراد متعلق به طبقه اجتماعی پایین برخوردارند. این متغیر با توجه به شاخص‌های ذهنی با هر سه بعد متغیر احساس امنیت اجتماعی، یعنی احساس امنیت جانی ($r = 0/16^{**}$ و $\text{sig} = 0/007$)، احساس امنیت مالی ($r = 0/25^{**}$ و $\text{sig} = 0/000$) و احساس امنیت سیاسی ($r = 0/15^{**}$ و $\text{sig} = 0/0107$) ارتباط دارد و با در نظر گرفتن شاخص‌های عینی، تنها با احساس امنیت سیاسی ($r = 0/10^{**}$ و $\text{sig} = 0/017$) در ارتباط است.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مربوط به رابطه بین تعدادی از متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود	۰/۲۳۵**	۰/۰۰۱
بعد عینی پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۰/۰۷۹*	۰/۰۴۸
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۵۳**	۰/۰۰۰
احساس بی قدرتی	-۰/۰۹۰*	۰/۰۳۰
هویت قومی	۰/۰۴۱	۰/۱۹۱
هویت ملی	۰/۱۰۲*	۰/۰۱۵

sig* < ۰/۰۵ و sig** < ۰/۰۱

در جدول شماره ۶ نتایج آزمون رابطه بین احساس محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی نیز قید شده است. همان گونه که مشاهده می شود، متغیر احساس محرومیت نسبی، تأثیر معکوس (منفی) و معناداری بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارد (sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱). بدین معنا که هرچه فرد احساس محرومیت نسبی بیشتری داشته باشد، احساس امنیت اجتماعی کمتری خواهد داشت، در حالی که با کاهش این متغیر، احساس امنیت اجتماعی فرد افزایش خواهد یافت. احساس محرومیت نسبی با دو بعد احساس امنیت اجتماعی، یعنی احساس امنیت جانی (**sig = -۰/۱۱) و (sig = ۰/۰۰۵) و احساس امنیت سیاسی (**sig = -۰/۱۷) و (sig = ۰/۰۰۰) رابطه ای معنادار دارد و با احساس امنیت مالی رابطه معناداری ندارد.

اطلاعات جدول شماره ۶ همچنین نشان دهنده رابطه بین احساس بی قدرتی با احساس امنیت اجتماعی است. ملاحظه می شود که احساس بی قدرتی نیز، تأثیر معکوس و معناداری بر احساس امنیت اجتماعی فرد دارد (sig = ۰/۰۳۰ < ۰/۰۵). بنابراین با افزایش احساس بی قدرتی در فرد، احساس امنیت اجتماعی او کاهش می یابد. احساس بی قدرتی نیز، با دو بعد احساس امنیت اجتماعی، یعنی احساس امنیت جانی (**sig = -۰/۲۱) و (sig = ۰/۰۰۲) و احساس امنیت سیاسی (**sig = -۰/۱۱) و (sig = ۰/۰۱۱) رابطه معناداری دارد و با احساس امنیت مالی رابطه معناداری ندارد.

علاوه بر این، جدول شماره ۶ به بررسی نتایج آزمون رابطه بین هویت قومی

و احساس امنیت اجتماعی نیز می‌پردازد به طوری که می‌توان گفت هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر چندانی ندارد ($\text{sig} = 0/191 > 0/01$). اما با تحلیل ارتباط هویت قومی با تک تک ابعاد احساس امنیت اجتماعی، رابطه هویت قومی و احساس امنیت مالی با اطمینان زیاد ($r = 0/11^{**}$ و $\text{sig} = 0/007$) مورد تأیید قرار گرفت؛ بدین معنا که با بالا رفتن هویت قومی در فرد، احساس امنیت مالی او نیز بالا می‌رود. این موضوع، ممکن است به علت ایجاد آرامش و احساس امنیت نسبت به حفظ اموال باشد که خود ناشی از حس همبستگی قومی در فرد است. رابطه بین هویت قومی و احساس امنیت سیاسی فرد، ولو این که معنادار نیست اما منفی و نزدیک به معناداری ($r = -0/06$) است. این موضوع را می‌توان این گونه تبیین کرد که گویا گرویدن فرد به گروه قومی، ناشی از احساس ناامنی سیاسی است. به زبان دیگر، احساس ناامنی سیاسی باعث شده است فرد برای دستیابی به امنیت بیشتر، به سوی گروه قومی خویش گرایش داشته باشد و هویت قومی خویش را تقویت کند.

همچنین جدول شماره ۶ نشان دهنده رابطه بین هویت ملی با احساس امنیت اجتماعی است. همان گونه که مشاهده می‌شود، هویت ملی تأثیر مثبت و معناداری بر احساس امنیت اجتماعی فرد دارد ($\text{sig} = 0/015 < 0/01$)؛ یعنی، هر چه فرد هویت ملی بالاتری داشته باشد، احساس امنیت اجتماعی بیشتری خواهد داشت. هویت ملی با دو بعد احساس امنیت اجتماعی، یعنی احساس امنیت مالی ($r = -0/90^{**}$ و $\text{sig} = 0/018$) و احساس امنیت سیاسی ($r = -0/12^{**}$ و $\text{sig} = 0/004$)، رابطه معناداری دارد و با احساس امنیت جانی رابطه معناداری ندارد.

جدول شماره ۷ - نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

بین احساس بی‌قدرتی و هویت ملی

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	احساس بی‌قدرتی
0/036	0/077 *	هویت قومی

جدول شماره ۷، رابطه متغیر احساس بی‌قدرتی با هویت قومی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که احساس بی‌قدرتی بر هویت قومی فرد تأثیری مثبت و معنادار دارد ($\text{sig} = 0/036 < 0/05$). این بدان معناست که افراد برخوردار از احساس بی‌قدرتی بالا، از هویت قومی بالایی نیز برخوردارند. این موضوع را این گونه می‌توان تبیین کرد که

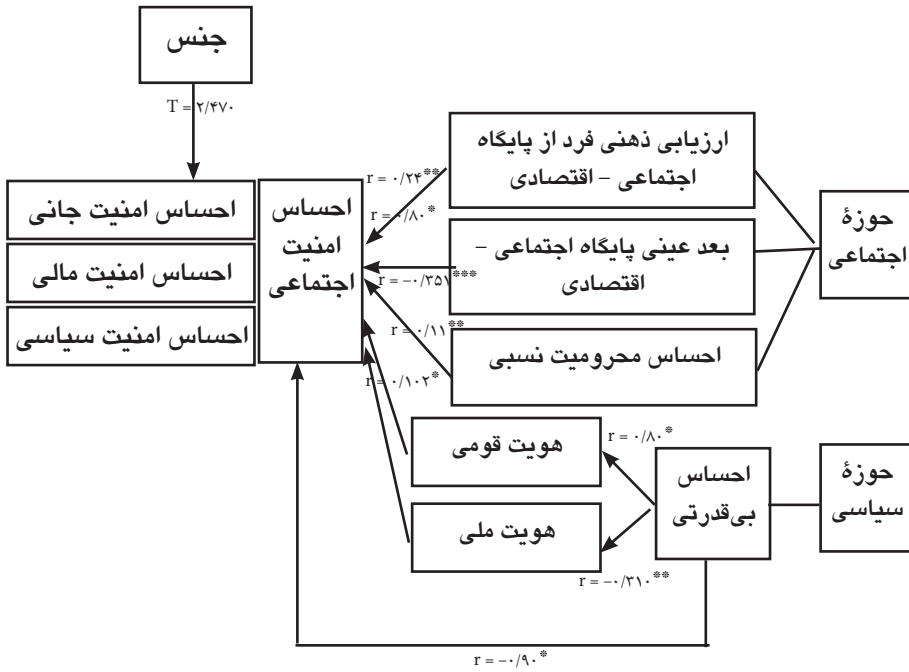
احتمال یا انتظار ناتوانی فرد در کنترل وقایع گروه کل (جامعه ملی)، او را به سوی گروه خویش سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که فرد، خویش را در کنترل وقایع گروه جزء (گروه قومی) تواناتر می‌داند و به همین علت، به طرف گروه قومی خویش گرایش بیشتری پیدا می‌کند.

جدول شماره ۸ - نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون
بین احساس بی‌قدرتی و هویت ملی

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	احساس بی‌قدرتی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۰***	هویت ملی

جدول شماره ۸ مربوط به بررسی رابطه بین متغیر احساس بی‌قدرتی و هویت ملی است. نتایج این آزمون با اطمینان قوی ($\text{sig} = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱$)، وجود رابطه منفی و معنی دار بین احساس بی‌قدرتی و هویت ملی را تأیید می‌کند. در این صورت، کاهش در یک متغیر، افزایش در متغیر دیگر را در پی خواهد داشت. به زبان دیگر، هر چه افراد احساس بی‌قدرتی بیشتری داشته باشند، هویت ملی کمتری خواهند داشت، در حالی که با کاهش این متغیر، هویت ملی افراد افزایش خواهد یافت.

مدل معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق



بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. از بین کل شهرستان‌های کشور، شهرستان اهواز به عنوان منطقه مورد بررسی در نظر گرفته شده و ۶۰۰ نفر از جمعیت ۱۶ سال و بالاتر این شهرستان به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب شهرستان اهواز به عنوان منطقه مورد مطالعه، بالا بودن میانگین ناامنی در این شهرستان است. میانگین امنیت اجتماعی ساکنان شهرستان اهواز با توجه به داده‌های جمع آوری شده در این تحقیق، برابر با ۴۹/۰۹ محاسبه شد که این رقم نیز نشان دهنده اندک بودن احساس امنیت اجتماعی ساکنان است. در خصوص علت تفاوت بین میزان احساس امنیت اجتماعی در این تحقیق و تحقیقات پیشین باید گفت: در مقایسه بین تحقیقاتی که در شهرستان اهواز (تحقیق حاضر) و سایر شهرها انجام شده است، به علت تفاوت در بافت جوامع مورد بررسی، متغیرها، ابعاد و شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی، تفاوت در نتایج، طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسد. اما در خصوص تفاوت بین مقدار به دست آمده از این تحقیق و تحقیقات ناجا در شهر اهواز، می‌توان به علل زیر اشاره کرد: رقم به دست آمده در این تحقیق، نزدیک به نتایج تحقیقات پیشین ناجا در اهواز است و اندک تفاوت موجود به دلایل زیر حاصل شده است: ۱- در تحقیقات ناجا فقط شهر اهواز مورد مطالعه قرار گرفته است، حال اینکه در تحقیق حاضر شهرستان اهواز مورد مطالعه بوده است؛ ۲- تفاوت در متغیرها، ابعاد و شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی در تحقیقات ناجا و تحقیق حاضر؛ ۳- افت، تغییر و جابه جایی آزمودنی‌ها (جمعیت شهرستان) در فاصله تحقیقات ناجا (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) و تحقیق حاضر (۱۳۸۷) و... به علاوه، در تحقیق حاضر احساس امنیت اجتماعی افراد در سه بُعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ساکنان در امنیت مالی از کمترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کمترین میزان مربوط به احساس امنیت سیاسی افراد است و بیشترین میزان احساس امنیت افراد مربوط به امنیت جانی آنهاست.

بررسی روابط بین متغیرها نشان داد که افراد در سنین مختلف از احساس امنیت نسبتاً یکسانی برخوردارند. میانگین احساس امنیت اجتماعی بین زنان و مردان تنها در بعد احساس امنیت جانی با هم متفاوت است و معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها، این امر را تأیید می‌کند که در مقایسه بین دو جنس، زنان از احساس امنیت جانی کمتری

برخوردارند. تحقیق نشان داد که قومیت با احساس امنیت اجتماعی آنها رابطه چندانی ندارد.

از دیگر یافته‌های تحقیق، تأثیر طبقه اجتماعی افراد است. افراد طبقات اجتماعی بالا از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به افراد طبقات اجتماعی پایین برخوردارند. همچنین، دو عامل احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، تأثیر معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی فرد دارند؛ یعنی، با افزایش این عوامل، احساس امنیت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد و برعکس.

متغیر احساس بی‌قدرتی از اثرگذارترین متغیرها بر احساس امنیت افراد به شمار می‌رود؛ زیرا این متغیر از یک سو با اثرگذاری بر دو متغیر هویت قومی و هویت ملی، احساس امنیت اجتماعی یا لاقلاً یکی از ابعاد آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد و از سوی دیگر به طور مستقیم بر احساس امنیت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد.

از دیگر یافته‌های تحقیق این است که هویت قومی تنها در افزایش احساس امنیت مالی افراد نقش دارد، در حالی که هویت ملی بر کل احساس امنیت اجتماعی افراد مؤثر است. تأیید رابطه معنادار بین هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی و رد رابطه هویت قومی با آن ممکن است بیانگر این مطلب باشد که بالا بودن احساس بی‌قدرتی و نیز پایین بودن هویت ملی در افراد، به کاهش احساس امنیت اجتماعی آنها انجامیده و در نتیجه، این عده از گروه کل (جامعه ملی) به طرف گروه‌های اجتماعی کوچکتر (مانند گروه قومی) گرایش پیدا کرده‌اند؛ به امید این که در این گروه کوچکتر به احساس امنیت بیشتری دست یابند. اما، چنان که یافته‌های تحقیق نشان داد، این عمل (یعنی حرکت از گروه کل به طرف جزء به امید افزایش احساس امنیت اجتماعی) فقط به احساس امنیت نسبت به حفظ اموال و احساس امنیت بیشتر در افراد دارای هویت قومی بالا انجامیده است.

نکته حائز اهمیت دیگری که در بررسی این روابط مشاهده می‌شود، ارتباط منفی بین هویت قومی و امنیت سیاسی افراد است. اگر چه این رابطه به معناداری نمی‌رسد، اما نشان می‌دهد فرد به دلیل احساس هراس و ناامنی سیاسی در گروه کل و برای دستیابی به امنیت و احساس مطلوب ناشی از آن، به سوی گروه قومی خویش گرایش پیدا کرده است.

پیشنهادها

- این تحقیق نشان داد طبقه اجتماعی افراد با توجه به هر دو شیوه عملیاتی و به ویژه با در نظر گرفتن شاخص‌های ذهنی (ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود)، اثر چشمگیری بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارد. بنابراین، توزیع عادلانه شاخص‌های پایگاه اجتماعی- اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه، نخستین پیشنهاد برای ارتقای احساس امنیت اجتماعی، به ویژه در بین افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین‌تر است.
- اقدام برای کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق توزیع عادلانه امکانات و ثروت، همچنین کاهش احساس بی‌قدرتی به ویژه با توجه به گروه‌های قومی در برنامه‌ریزی‌های سیاسی- اجتماعی کشور، دیگر پیشنهاد این تحقیق برای افزایش احساس امنیت اجتماعی و نیز بهبود مشارکت افراد در ایجاد امنیت است.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر؛ قدیر نصیری (۱۳۸۳). روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افشار، زین العابدین (۱۳۸۵). *بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران* (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- بوزان، باری؛ ال ویور (۱۳۸۳). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی. ترجمه قدیر نصیری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره مسلسل ۲۴.
- ترابی، یوسف؛ آیت‌گودرزی (۱۳۸۴). *ارزش‌ها و امنیت اجتماعی مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا، تهران: انتشارات گلیویه.
- تقوی نسب، مجتبی (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر داخلی بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز* (پایان نامه کارشناسی ارشد). شیراز: دانشگاه شیراز.
- خوشفر، غلامرضا «الف» (۱۳۷۸). «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستان‌های استان مازندران». مازندران: دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران.
- _____ (۱۳۸۴). «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستان‌های استان مازندران». مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران: انتشارات گلیویه.
- ربانی، رسول؛ نصراله پورافکاری؛ محمدصادق کریمی‌کیا (۱۳۸۶). «برخی موانع ذهنی توسعه در ایران (پژوهشی پیرامون سنت و مدرنیته در نظام فرهنگی دانشجویان)». *فصلنامه توسعه انسانی*، دوره اول، شماره دوم، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ربیعی، علی (۱۳۸۲). «امنیت ملی؛ مفهومی در حال تکوین». *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال هیجدهم، شماره ۱۹۸-۱۹۷.
- صمدی بگه جان، جمیل (۱۳۸۴). *امنیت اجتماعی در شهر سمنان* (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.

- عزیزاده اقدم، محمدباقر؛ سمیه ولایتی؛ مینا اختیاری (۱۳۸۶). «تطبیق هویت ملی و دینی دانش آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن» (مطالعه موردی دانش آموزان ناحیه ۴ تبریز). *مجله پژوهشی علوم انسانی*، دانشگاه اصفهان، جلد ۲۳، شماره ۲.
- قائمی فر، حسین (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم* (پایان نامه کارشناسی ارشد). اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کامل السعید، مصطفی (۱۳۸۱). «مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی» (۱۹۹۶-۱۹۸۹). ترجمه قدیر نصری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره مسلسل ۱۶.
- کرامتی، مهدی (۱۳۸۵). «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور (پیمایش دوم)». *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا- شماره ششم و هفتم.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۴). «*راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی*»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران: انتشارات گلپویه.
- ناجا (۱۳۸۳). گزارش نظرسنجی «*بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق*». تهران: معاونت اجتماعی ارشاد فاتب.
- نصری، قدیر (۱۳۷۸). «*معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت*»، جزوه مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصیری، حسین (۱۳۸۴). «امنیت ملی پایدار». *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره ۲۱۵-۲۱۶.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). «*درآمدی بر امنیت اجتماعی*». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره مسلسل ۱۹.
- _____ (۱۳۸۵). «گفتامی پیرامون امنیت اجتماعی». *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، شماره چهارم و پنجم.
- Bilgin, Pinar; Booth, Ken; Jones, Richard Wyn (1998). " Security Studies: The Next Stage? ", *Inverno* 98, N 48-2. Series pp. 131-157.
- _____ (2003). " individual and Societal Dimensions of Security". Bilkent university Turkey, Department of International Relation,

- Buzan, Barry; Wearver, Ole (1998). "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Buzan, Barry; Wearver, Ole; Jaap de Wilde (1998). "Security: A New Framework for Analysis".
- Buzan, Barry (1991) People, states and fear, London: Harvester Wheatsheaf
- Kimmerling, Baruch; Moor, Dahlia (1997). "Collective identity as agency and structuration of society" *International Review of Sociology*.
- Miller, Delbert (1969). *Hand book of Research Design and social Measurement*, P. David Mekey.
- Moller Bjorn (2000). «B», "National, Societal and Human security: Discussion-Case study of the Israel- Palestine Conflict"
- Roe. Paul (1996). "The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Regions and power: The structure of International Security Cambridge University Press, 2003
- Wearver, Ole (2000). "Societal Security": <http://www.Ciaonet.Org/book/hall/hall01.html>, 2000